

کتاب یوئیل و کلیسای لادکیہ ای ادونتیسٹ های روز ہفتم — شماره سی و نهم

Jeff Pippenger

2026-02-02

شماره سی و نهم

آزمون درونی سنگِ رأسِ اومگا کہ در پی آزمون بیرونی بنیادِ آلفای سال ۲۰۲۴ می‌آید، مستلزم تعریفی از «انبار» و از «غذا»یی است کہ در انبار نگه‌داری می‌شود. این آزمون نبوی است و دارای خطِ حقیقتی درونی و بیرونی است. آیا جواهرات، باقی‌ماندگانِ جیمز وایت هستند، یا حقایقِ کلامِ خدا؟ هر دو هستند.

در ۹/۱۱، قوم خدا فراخوانده شدند تا کتاب کوچک را بخورند و به راه‌های قدیمی ارمیا بازگردند، جایی کہ در آن هنگام بنیادها نهاده شد. در ۹/۱۱، دیده شد کہ هنگامی کہ به یوحنا، در باب یازدهم مکاشفہ، گفته شد کہ اندازه‌گیری کند، به او گفته شد کہ دو چیز را اندازه‌گیری کند. به او گفته شد کہ ہم هیکل را، و ہم پرستندگانِ درون آن را، اندازه‌گیری کند. به او گفته شد کہ صحنِ مربوط به ۱,۲۶۰ سال پایمال شدنِ مقدس و لشکر به دست امت‌ها را واگذارد. مقدس و لشکر همان هیکل و پرستندگانِ درون آن هستند.

در سال ۲۰۲۳، همان فرشته‌ای کہ در ۱۱ سپتامبر فرود آمده بود، بار دیگر فرود آمد و پیامِ نالهٔ نیمه‌شب را مهرگشایی کرد؛ و سپس در سال ۲۰۲۴، آزمون بنیادین بیرونی این کہ آیا نمادِ روم همچنان رؤیا را، چنان کہ برای میلی‌ها تثبیت کرده بود، تثبیت می‌کند یا نه.

«پنجره‌های گشوده» آسمان، رسیدنِ آزمونِ درونیِ اومگا برای هیکل و فراخوان «بازگشت» را نشان می‌دهد. این آزمون مستلزم شناساییِ دو نماد است. هنگامی کہ فرشتهٔ سوم در سال ۱۸۴۴ آمد، و سپس بار دیگر در ۹/۱۱، به یوحنا گفته می‌شود کہ هیکل و پرستندگانِ درون آن را اندازه بگیرد؛ بدین‌سان، کاری نبوی برای اندازه‌گیریِ هیکل و پرستندگان در سال ۲۰۲۳ مشخص می‌شود. ملاکی این پرسش را مطرح می‌کند کہ «انبار» چیست و «خوراک» چیست؟ همین پرسش‌ها در رؤیای میلر چنین خواهد بود: «صندوقچه» چیست و «جواهرات» کدام‌اند؟

رؤیای میلر پنجره‌های گشودهٔ آسمان را به‌عنوان نقطه‌ای معرفی می‌کند کہ در آن کلیسای ظافر در مکاشفہ نوزده، در کتان سفید برافراشته می‌شود تا بر اسبان سفید لشکرِ یهوہ صباپوت سوار گردد. پنجره‌های گشوده همان‌جایی است کہ برکت یا لعنتِ ملاکی فرو ریخته می‌شود. پنجره گشوده میلر همان‌جاست کہ در آن زباله‌ها برداشته می‌شود و جواهرات درون صندوقچه گرد آورده می‌شوند.

آسمان کی کهڑکیوں کا پہلا ذکر نوح کی کہانی میں آتا ہے، اور جب وہ کہڑکیاں کھولی گئیں تو چالیس دن اور چالیس رات بارش ہوئی۔ جب کہڑکیاں کھلتی ہیں تو کشتی میں اٹھ جانیں ہوتی ہیں۔ بحرِ قلزم میں بپتسمہ نے چالیس برس کی آوارہ گردی کا آغاز کیا، یہاں تک کہ یردن پار کیا گیا۔ بعد میں جب مسیح نے عین اسی مقام پر بپتسمہ لیا تو وہ چالیس دن کے لیے بیابان میں لے جائے گئے۔ جب وہ، اپنے بپتسمہ کے وسیلہ سے ممثل اپنے جی اٹھنے کے مطابق، مردوں میں سے جی اٹھے، تو آسمان پر صعود فرمانے سے پہلے چالیس دن تک شاگردوں کو تعلیم دیتے رہے۔

ہنگامی کہ کلیسا از کلیسای مجاہد بہ کلیسای ظافر بدل شود، داوود پادشاہ، در سی‌سالگی، چہل سال سلطنت خواہد کرد۔ کلیسای ظافر با یک نبی، یک کاهن و یک پادشاہ نمود می‌یابد۔ آن نبی کہ

در سی سالگی خدمت بیست و دو ساله خود را آغاز کرد، حزقیال بود، و آن خدمت را زمانی آغاز کرد که آسمان ها گشوده شد.

Y aconteció en el año treinta, en el mes cuarto, a los cinco días del mes, que estando yo entre los cautivos junto al río Quebar, los cielos se abrieron, y vi visiones de Dios.

Ezequiel 1:1

در سی سالگی، یوسف به عنوان کاهن به سلطنت آغاز کرد، و او با باد شرقی اسلام روبه رو شد که بحرانی فزاینده را پدید آورد؛ بحرانی که به مصر، آن اژدهایی که در دریاست خفته است، امکان داد تا حکومت واحد جهانی را برقرار سازد. در آن بحران، یوسف آذوقه را در انبارها گرد آورد.

در ژوئیه ۲۰۲۳، ندایی در بیابان شنیده شد؛ سپس شیر سبط یهودا آغاز به گشودن مهرهای پیام فریاد نیمه شب کرد. در سال ۲۰۲۴، آزمون بنیادی بیرونی آلفا دو طبقه را از هم جدا ساخت، و روند گشودن مهرها ادامه یافت. اکنون در سال ۲۰۲۶، آزمون درونی امگا در معبد، که بار دیگر دو طبقه را از هم جدا خواهد ساخت، فرا رسیده است.

آن هفتۀ مقدس میں، جس میں مسیح نے، عہد کے رسول کی حیثیت سے، بہتوں کے ساتھ عہد کو قائم کیا، صحن اور مقدس مقام شامل ہیں۔ 22 اکتوبر 1844 سے لے کر اُس وقت تک جب میکائیل کھڑا ہو جائے (جیسا کہ اُس نے اُس ہفتہ مقدس کے اختتام پر کیا تھا جب اسٹیفن سنگسار کیا گیا)، یہ قدس الاقداس ہے۔ بہاری عیدیں اُس ہفتہ مقدس میں پوری ہوئیں، اور وہ عیدوں کا الفا ہیں؛ اور خزانہ عیدیں—یعنی پہلے دن نرسنگوں کی عید، دسویں دن یوم کفارہ، اور پھر پندرھویں سے بائیسویں دن تک عید خیام—عیدوں کا اومیگا ہیں۔

”بہ ہمیں سان، نمونہ هایی که به ظهور دوم مربوط می شوند، باید در زمانی که در خدمت نمادین تعیین شده است، تحقق یابند. در نظام موسوی، تطهیر مقدس، یا روز بزرگ کفارہ، در دهمین روز از ماه هفتم یهودی واقع می شد (لاویان ۲۹:۱۶-۳۴)، هنگامی که کاهن اعظم، پس از آنکه برای تمامی اسرائیل کفارہ به جا آورده و بدین گونه گناہان ایشان را از مقدس برطرف کرده بود، بیرون می آمد و قوم را برکت می داد. از این رو چنین باور می رفت که مسیح، کاهن اعظم بزرگ ما، ظاهر خواهد شد تا زمین را با نابودی گناه و گناهکاران تطهیر کند و قوم منتظر خویش را به جاودانگی برکت دهد. دهمین روز از ماه هفتم، روز بزرگ کفارہ، زمان تطهیر مقدس، که در سال ۱۸۴۴ بر بیست و دوم اکتبر منطبق می شد، زمان آمدن خداوند به شمار می رفت. این امر با براهینی که پیش تر ارائه شده بود، مبنی بر اینکه ۲۳۰۰ روز در پاییز پایان می یافت، هماهنگ بود، و نتیجه گیری گریزناپذیر می نمود.“

در مثل متی ۲۵، زمان انتظار و به خواب رفتن، با آمدن داماد دنبال می شود. این امر مطابق استدلال هایی بود که همین اکنون، هم از نبوت و هم از نمونہ ها، ارائه شد. آن ها بر حقانیت خود یقین نیرومندی پدید آوردند؛ و «فریاد نیمه شب» به وسیلہ هزاران ایماندار اعلام شد.

”قیام مانند موجی مدی سراسر سرزمین را فراگرفت. از شهری به شهر دیگر، از روستایی به روستای دیگر، و تا نواحی دورافتاده کشور پیش رفت، تا آنکه قوم منتظر خدا به تمامی بیدار شدند. تعصب افراطی در برابر این اعلام، همچون یخبندان نخستین در برابر خورشید برآینده، ناپدید شد. ایمانداران دیدند که شک و حیرتشان برطرف گردیده است، و امید و شجاعت دل های ایشان را جان بخشیده است. این کار از آن افراط هایی مبرا بود که هرگاه هیجان انسانی بدون تأثیر مهارکننده کلام و روح خدا پدیدار شود، همواره ظاهر می گردد. از حیث خصلت، همانند آن اوقات فروتنی و بازگشت به سوی خداوند بود که در میان اسرائیل باستان، در پی پیام های توبیخ آمیز بندگان او، رخ می داد. این حرکت، ویژگی هایی را در بر داشت که کار خدا را در هر عصر ممتاز

می سازد. در آن، شادی وجدآمیز اندک بود؛ بلکه بیشتر کاوشی عمیق در دل، اعتراف به گناه، و ترک دنیا دیده می شد. آمادگی برای ملاقات با خداوند، بار جان های دردمند بود. دعا های مداوم و تخصیص بی قید و شرط خویشتن به خدا وجود داشت. "جدال عظیم، ۴۰۰.

جشن های بهاری در هفته مقدس تحقق یافتند، و باران نخستین یا آلفا آنگاه در پنتیکاست فرو ریخته شد؛ و بدین سان، ریزش باران آخر را در جشن های پاییزی نمونه وار می ساخت. آن جشن های بهاری در لاویان ۲۳، آیات یک تا بیست و دو بیان شده اند. جشن های پاییزی در آیات ۲۳ تا ۴۴ قرار دارند. ۲۳۰۰ سال شما را به ۱۸۴۴ می رساند. بیست و دو آیه برای جشن های بهاری و بیست و دو آیه برای جشن های پاییزی. دو مجموعه بیست و دو گانه در فصل بیست و سوم.

عید نرسنگی اس بات کی تنبیه تھا کہ دس دنوں کے اندر عدالت واقع ہوگی، اور عید خیمہ جشن مسرت تھی اُن گناہوں کے لیے جو یوم کفارہ پر معاف کیے گئے تھے۔ عید کے بعد سبت اور آٹھواں دن زمین کے ہزار سالہ سبت کے آرام کی نمائندگی کرتے ہیں۔

اما ای محبوبان، از این یک امر غافل مباشید که نزد خداوند، یک روز همچون هزار سال است، و هزار سال همچون یک روز. ۲ پطرس ۸:۳

نخستین فرشته گشایش داوری را اعلام کرد، و در آن سطح نبوی، سال ۱۷۹۸، که «زمان آخر» دانیال بود، تحقق عید گرتاهاست؛ اما در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پیام گشوده شده نخستین فرشته ۱۷۹۸، با تحقق نبوت وای دوم، قدرت یافت. اسلام بخشی از هشدار عید گرتاهاست که روز نزدیک شونده داوری را اعلام می کند.

برای آنان که مایل اند ببینند، اعیاد پاییزی شیپورها و خیمه ها اعیادی آلفا و امگا را نمایندگی می کنند، و داوری در میان آنها قرار دارد. این تصادفی نیست که این اعیاد در لاویان بیست و سه شناسانده شده اند. عدد بیست و سه نماد کفارہ است. این نیز تصادفی نیست که عید نخست در روز اول ماه هفتم است و عید آخر در روز بیست و دوم پایان می یابد. عید شیپورها حرف نخست الفبای عبری است، روز کفارہ حرف میانی است، و عید خیمه ها حرف بیست و دوم الفبای عبری است.

احبار کے تیسویں باب کی آیات 23 تا 44 بائیس آیات پر مشتمل ہیں جو "سچائی کے ڈھانچے" کے اندر واقع ہیں۔ درمیان میں آنے والا دسویں دن ایک آزمائش کی نشان دہی کرتا ہے، کیونکہ دس آزمائش کی علامت ہے، اور یوم کفارہ وہ مقام ہے جہاں گمراہوں کی بغاوت درج اور فیصلہ کی جاتی ہے، اور اس بغاوت کی نمائندگی عبرانی حروف تہجی کے تیرھویں حرف سے ہوتی ہے۔ عبرانی لفظ "سچائی" کا درمیانی حرف تیرھواں ہے، اور وہ ساتویں مہینے کے دسویں دن کے ساتھ مطابقت رکھتا ہے، اور بطور راہ نما نشان وہ عبرانی حروف تہجی اور اس مخصوص دن کی نبوتی خصوصیات کا حامل ہے۔ دس اور تیرہ کا مجموعہ تیس ہے۔ ستر، 10 ضرب 7 کا حاصل ہے، اور ساتویں مہینے کا دسویں دن بھی ستر کے مساوی ہے، جو مہلت آزمائش کے اختتام کی علامت ہے۔

پس پطرس نزد او آمدہ، گفت: خداوندا، برادرم تا چند بار به من گناه ورزد و او را بیمارزم؟ آیا تا هفت بار؟ عیسی به او گفت: به تو نمی گویم تا هفت بار، بلکه تا هفتاد مرتبه هفت بار. متی ۱۸:۲۱،

چهارصد و نود سال برای اسرائیل باستان مقرر و منفصل گردید. این سال ها از دو هزار و سیصد سال جدا شد و به صورت هفتاد هفته نمایش داده شد؛ از این رو، عیسی مشخص ساخت که حد زمان مہلت آزمون چهارصد و نود است، کہ در دانیال نہ به صورت «هفتاد» هفته نمایانده شده است.

هفتاد هفته بر قوم تو و بر شهر مقدس تو مقرر شده است، تا نافرمانی به کمال رسد، و گناهان پایان پذیرد، و برای تقصیر کفاره به عمل آید، و عدالت جاودانی آورده شود، و رؤیا و نبوت مهر گردد، و قدوس اقداس مسح شود. دانیال ۹:۲۴

عبرانی واژه‌ای که «منقطع» ترجمه شده است، در عهد عتیق تنها در همین آیه به کار رفته است و معنای آن «تعیین شده یا مقرر» است. این واژه با آن واژه‌ای که معمولاً به «منقطع» ترجمه می‌شود متفاوت است؛ واژه‌ای که بر اساس بریدن قربانی‌ها به دست ابرام در نخستین گام عهد در پیدایش پانزده استوار است. «تعیین» و «مقرر» شده بود که اسرائیل چهارصد و نود سال زمان آزمایشی داشته باشد، و سپس به عنوان قوم عهد خدا منقطع گردد. دو «انقطاع» متفاوت؛ یکی که آن دوره را به عنوان دوره‌ای آزمایشی نشان می‌دهد که به وسیله عدد هفتاد از عددی بزرگ‌تر «منقطع» شده بود، و آن‌گاه که «شراب تازه» یوئیل از دهان ایشان «منقطع» می‌شود، مهلت آزمایش بسته می‌شود. هفتاد نمایانگر بسته شدن مهلت آزمایش است.

جشن‌های پاییزی دارای سه گام واژه عبری «حقیقت» هستند. جشن‌های پاییزی در لایوان ۲۳:۲۳ آغاز می‌شوند؛ نشانه میانی روز کفاره، روز دهم و حرف سیزدهم است که با ۲۳ برابر می‌شود؛ و عید خیمه‌ها در روز بیست و دوم پایان می‌یابد، و سپس یک سبت عظیم که در پی عید می‌آید؛ و این بخش در ۲۳:۴۴ پایان می‌پذیرد.

اخبار کا مطلب لاوی کا کهانت ہے۔ بہاری عیدیں باب 22-23:1 میں ظاہر کی گئی ہیں، پھر خزانی عیدیں 23:23-44 میں ظاہر کی گئی ہیں۔ بہاری عیدیں بائیس آیات سے ظاہر کی گئی ہیں، اور عبرانی حروف تہجی بائیس حروف پر مشتمل ہیں۔ خزانی عیدیں بھی بائیس آیات میں بیان کی گئی ہیں۔ نرسنگوں کی عید، یوم کفاره میں آنے والی عدالت کے قریب آنے کا اعلان کرتی ہے۔ پھر عید خیام سات دن تک رہتی ہے، جو ساتویں مہینے کی بائیسویں تاریخ پر ختم ہوتی ہے۔ ان سات دنوں میں پہلا دن ایک رسمی سبت تھا، اور آٹھواں دن بھی ایسا ہی تھا، جو سات روزہ عید کے بعد کا دن تھا۔ پہلا اور آٹھواں دن، آٹھویں دن کو ان سات میں سے آٹھویں کی علامت بناتے ہیں۔

به بنی اسرائیل سخن بگو و بگو: روز پانزدهم این ماه هفتم، عید خیمه‌ها به مدت هفت روز برای خداوند خواهد بود. در روز نخست، اجتماع مقدس برپا شود؛ هیچ کار مشقت آمیزی در آن انجام ندهید. هفت روز قربانی آتشین برای خداوند تقدیم کنید؛ و در روز هشتم نیز برای شما اجتماع مقدس باشد، و قربانی آتشین برای خداوند تقدیم نمایید؛ این محفل باشکوهی است، و در آن هیچ کار مشقت آمیزی انجام ندهید. ... همچنین در روز پانزدهم ماه هفتم، هنگامی که محصول زمین را جمع کرده‌اید، عیدی برای خداوند هفت روز نگاه دارید: در روز نخست سبت باشد، و در روز هشتم نیز سبت باشد. لایوان 23:34-36, 39.

شَبَّاتِ آیینی روز هشتم، مظهر شَبَّاتِ هزاره است که در پی عید خیمه‌ها می‌آید. سرگردانی بنی اسرائیل باستان در بیابان به مدت چهل سال، با سکونت در خیمه‌ها در ایام عید خیمه‌ها گرامی داشته می‌شود، و این نه تنها نمایانگر ریزش باران آخر است، بلکه زمان تنگی یعقوب را نیز مجسم می‌سازد، هنگامی که فرشتگان، وفاداران خدا را برای حفاظت به تپه‌ها و کوه‌ها رهبری کرده‌اند.

«در زمان تنگی، همه ما از شهرها و دهات گریختیم، اما شیران ما را تعقیب کردند، و با شمشیر به خانه‌های مقدسین درآمدند. آنان شمشیر را برای کشتن ما بلند کردند، اما شمشیر شکست و چون کاهی بی قدرت بر زمین افتاد. سپس همه ما شب و روز برای رهایی فریاد برآوردیم، و فریاد ما به حضور خدا بالا رفت. خورشید برآمد، و ماه از حرکت بازایستاد. نهرها از جریان ایستادند. ابرهای تیره و سنگین برخاستند، و با یکدیگر برخورد کردند. اما در آنجا یک جای صاف و روشن از جلال پایدار بود، که از آنجا آواز خدا چون صدای آب‌های بسیار آمد، و آسمان‌ها و زمین را لرزانی.

آسمان باز و بسته می‌شد، و در اضطراب و تلاطم بود. کوه‌ها چون نی‌ای در باد می‌لرزیدند، و صخره‌های شکسته را به هر سو پرتاب می‌کردند. دریا چون دیگی می‌جوشید، و سنگ‌ها را بر خشکی می‌افکند. و چون خدا روز و ساعت آمدن عیسی را بیان کرد، و عهد جاودانی را به قوم خود اعلام نمود، یک جمله فرمود و سپس مکث کرد، در حالی که کلمات در سراسر زمین طنین می‌افکند. اسرائیل خدا با چشمان دوخته به بالا ایستاده بود و به کلماتی گوش می‌داد که از دهان یهوه صادر می‌شد و همچون غرش‌های بلندترین رعد در سراسر زمین می‌پیچید. آن صحنه به‌غایت باهیت و هولناک بود. در پایان هر جمله، مقدسین ندا می‌دادند: جلال! هَلْلوَیاه! سیمای ایشان به جلال خدا منور شده بود؛ و ایشان از آن جلال می‌درخشیدند، همان‌گونه که چهره موسی آنگاه که از سینا فرود آمد، می‌درخشید. شیریران از شدت آن جلال نمی‌توانستند بر ایشان بنگرند. و چون بر آنان که با مقدس نگاه داشتن سبت او خدا را حرمت نهاده بودند، آن برکت بی‌پایان اعلام شد، فریاد عظیم ظفر بر وحش و بر تمثال او برخاست.»

«آنگاه یوبیل آغاز شد، زمانی که زمین می‌بایست آرام گیرد.» 21 Review and Herald، ژوئیه 1851.

عیسی بازمی‌گردد و زمین به مدت هزار سال آرام می‌گیرد، چنان‌که در سبت سال هفتم زمین و یوبیل به‌صورت نمونه پیشاپیش نشان داده شده است. در آیه سه از لاویان بیست‌وسه، سبت روز هفتم برای انسان به‌عنوان مقدمه این فصل معرفی می‌شود؛ فصلی که با هشتم، یعنی آنچه از آن هفت است، پایان می‌یابد و نمایانگر سبت سال هفتم برای آرام گرفتن زمین است.

او خداوند به موسی فرمود: «بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: درباره عیدهای خداوند که باید آنها را محافل مقدس اعلام کنید، اینها عیدهای من هستند. شش روز کار انجام شود، اما روز هفتم سبت آرامی است، محفل مقدس؛ در آن هیچ کاری انجام ندهید. این در همه مساکن شما سبت خداوند است.» لاویان 23:1-3

الفای فصل بیست‌وسه، سبت روز هفتم است، و اُمگای این فصل، هزار سال خالی بودن زمین است، که به واسطه سبت سیال هفتم برای زمین و یوبیل، نمونه‌وار گردیده است. الفای این فصل، اعیاد بهاری است که با سبت روز هفتم آغاز می‌شود و در آیه بیست‌ودو پایان می‌یابد؛ حال آن‌که اُمگای این فصل در روز بیست‌ودوم ماه هفتم به پایان می‌رسد، و پس از آن سبت تشریفاتی روز هشتم می‌آید که نمایانگر سبت سال هفتم برای زمین است.

آیات یک تا بیست‌ودو کار مسیح را به‌عنوان کاهن اعظم آسمانی در مکان مقدس نشان می‌دهند؛ آیات بیست‌وسه تا چهل و چهار کار او را در قدس‌الاقداس نشان می‌دهند. لاویان نمادی از کاهنان است و خدمت کاهنی اعظم مسیح را بازنمایی می‌کند. سبت آلفا، یعنی سبت روز هفتم، به آفرینش بازمی‌گردد، و سبت اُمگا، یعنی سبت سال هفتم، تا زمین نو شده امتداد می‌یابد. لاویان بیست‌وسه از لحاظ تاریخی از آفرینش تا آفرینش دوباره امتداد دارد.

شادی یا شرم پیام نبوتی، نمادی از کسانی است که یا پیام فریاد نیمه‌شب را در اختیار دارند یا بدلی از آن را. تا زمانی که این حقیقت در روایت منظور نگردد، مسئله‌ای که شرم را پدید می‌آورد، از نظر دور می‌ماند. آنان که روغن حقیقی را در اختیار دارند، این نکته را از دست نخواهند داد. شادی، نمایانگر کسانی است که گناهانشان برداشته شده است، و اینان به‌وسیله کسانی نمود می‌یابند که عید خیمه‌ها را جشن می‌گیرند.

اور کلام مجسم ہوا، اور ہمارے درمیان سکونت اختیار کی، (اور ہم نے اُس کا جلال دیکھا، ایسا جلال جیسا باپ کے اکلوتے کی شان کے لائق ہے،) جو فضل اور سچائی سے معمور تھا۔ یوحنا 1:14.

یونانی لفظ جس کا ترجمہ "dwelt" کیا گیا ہے، اس کے معنی ہیں "خیمہ زن ہونا۔" یسوع مجسم ہوا اور ہمارے درمیان خیمہ زن ہوا۔ اُس نے ہماری انسانی فطرت، ہمارا خیمہ، ہمارا تنبو، ہماری جھونپڑی، ہمارا جسم اختیار کیا۔ پطرس نے اسے یوں بیان کیا:

آری، سزاوار می دانم تا زمانی کہ در این خیمہ هستم، شما را با بہ یاد آوردن برانگیزم؛ زیرا می دانم کہ بہ زودی باید این خیمہ خود را فرو گذارم، چنان کہ خداوند ما عیسی مسیح نیز بر من آشکار ساخته است۔ دوم پطرس ۱:۱۳، ۱۴

پولس آن را این گونه بیان کرد:

زیرا می دانیم کہ اگر خانہ زمینی این خیمہ فرو ریزد، بنایی از خدا داریم، خانہ ای کہ با دست ساخته نشدہ، جاودانی در آسمان ہا۔ زیرا در این نیز نالہ می کنیم، و سخت مشتاق آنیم کہ با خانہ خود کہ از آسمان است ملبس شویم؛ اگر بہ راستی چون ملبس شویم، عریان یافت نشویم۔ زیرا ما کہ در این خیمہ هستیم نالہ می کنیم، چون زیر بار سنگینیم؛ نہ از آن رو کہ می خواہیم عریان شویم، بلکہ تا بر آن ملبس گردیم، تا فانیت در حیات فرو بردہ شود۔ ۲ قرنتیان ۵:۱-۴

عید خیمہ گان مہر شدن آن یک صد و چہل و چہار ہزار را بہ طور نمادین نشان می دہد، کہ این امر ہنگامی بہ انجام می رسد کہ پنجرہ ہای آسمان گشودہ می شوند۔ وقتی گناہان آن یک صد و چہل و چہار ہزار برداشتہ شود، روح القدس بی پیمانہ بر کلیسای ظافر افاضہ خواہد شد۔ داوری برای آن یک صد و چہل و چہار ہزار بہ پایان رسیدہ است، و آنان کہ مہر شدہ اند، بہ پیش می روند تا فریاد بلند فرشتہ سوم را تحت قدرت روح القدس، آن گونه کہ با عید خیمہ گان نمود یافتہ است، اعلام کنند۔

جسد ما ہیکل است، و خیمہ ای کہ همان مسکن مقدس است۔ آنان کہ بہ اورشلیم گرد می آمدند تا عید خیمہ ہا را برگزار کنند، جشن می گرفتند کہ گناہان شان محو شدہ بود۔ موسی بہ کار گرفتہ شد تا مسکن مقدس را در بیابان برپا دارد، و عید خیمہ ہا در پایان با سکونت در خیمہ ہا در بیابان برگزار می شد، زیرا عیسی ہموارہ پایان را با آغاز بہ تصویر می کشد۔

لہذا، اے مقدس بھائیو، جو آسمانی بلاہٹ میں شریک ہو، ہمارے اقرار کے رسول اور سردار کاہن، مسیح یسوع، پر غور کرو؛ جو اپنے مقرر کرنے والے کے لیے وفادار تھا، جس طرح موسی بھی اس کے تمام گھر میں وفادار تھا۔ کیونکہ یہ شخص موسی سے زیادہ جلال کے لائق ٹھہرا، اس لیے کہ گھر بنانے والا خود گھر سے زیادہ عزت رکھتا ہے۔ کیونکہ ہر گھر کسی نہ کسی کے ذریعہ بنایا جاتا ہے؛ لیکن جس نے سب چیزیں بنائیں وہ خدا ہے۔ اور موسی فی الحقیقت اس کے تمام گھر میں ایک خادم کی حیثیت سے وفادار تھا، ان باتوں کی گواہی کے لیے جو بعد میں کہی جانے والی تھیں؛ لیکن مسیح اپنے ہی گھر پر ایک بیٹے کی حیثیت سے ہے؛ اور اگر ہم اپنے بھروسے اور امید کے فخر کو آخر تک مضبوطی سے قائم رکھیں، تو ہم ہی اس کا گھر ہیں۔ عبرانیوں 3:1-6۔

موسیٰ وہ وفادار خادم تھا جسے خدا نے خیمہ عبادت کے ہیکل کو قائم کرنے کے لیے استعمال کیا، لیکن مسیح، سردار کاہن اور رسول ہونے کے ناطے، خادم موسی سے بڑھ کر عزت رکھتا ہے۔ ہر گھر—موسیٰ کے خیمہ عبادت کے ہیکل سے لے کر سلیمان کے ہیکل تک، پھر ہیرودیس کے چھالیس برس میں ازسرنو تعمیر کیے گئے ہیکل تک، انسانی ہیکل جس میں 46 کروموسوم ہیں، اور 1798 سے 1844 تک کا میلیرائیٹ ہیکل—سب خدا ہی نے بنائے۔ ہیکلوں کے مختلف ظہورات کی نبوی سلسلہ میں، جو باغ عدن میں شروع ہوتا ہے، پھر گناہ کے بعد باغ کے دروازے پر، پھر طوفان کے بعد مذبحوں سے ہوتا ہوا موسیٰ تک پہنچتا ہے؛ تین بنیادی نشان راہ یہ ہیں: موسیٰ، مسیح، اور ایک لاکھ چوالیس ہزار۔

موسیٰ اور مسیح قدیم اسرائیل کے الفا اور اومیگا کی نمائندگی کرتے ہیں، اور باہم مل کر وہ انسانیت اور الوہیت کے امتزاج کی نمائندگی کرتے ہیں، جس کی نمائندگی ایک لاکھ چوالیس ہزار بھی کرتے ہیں۔

تیسرے فرشتے کی آمد پر، مکاشفہ باب گیارہ میں، یوحنا کو ہدایت دی جاتی ہے کہ ہیکل کو ناپے، اور اسی فرشتے کی 9/11 پر آمد کے وقت بھی یوحنا کو دوبارہ ہیکل ناپنے کا حکم دیا جاتا ہے۔ دونوں صورتوں میں اسے کہا جاتا ہے کہ 1,260 دنوں کے صحن کو چھوڑ دے۔ 2023 میں، وہی فرشتہ آیا، اور اب خدا کے لوگوں کو ہیکل ناپنے کے لیے بلایا جا رہا ہے۔ 1,260 دن، یا ساڑھے تین دن، 2023 میں ختم ہوئے، اور اس وقت سے لے کر اتوار کے قانون سے ذرا پہلے تک ہیکل کو قائم کیا جانا ہے۔ 2024 نے بنیادیں ڈالنے کے عمل کو نشان زد کیا، اور اسی میں بغاوت ایک ایسے گروہ کی صورت میں ظاہر ہوئی جس نے ”چھوٹی باتوں کے دن کو حقیر جانا،“ اور ملر کی اس علامت کی تعیین کے خلاف احتجاج کیا جو رؤیا کو قائم کرتی ہے۔

علاوہ بر این، کلام خداوند بر من نازل شد و گفت: «دستان زربّایل بنیاد این خانه را نهاده است؛ دستان او نیز آن را به پایان خواهد رسانید؛ و خواہی دانست کہ یہوہ صبايوت مرا نزد شما فرستاده است. زیرا کیست کہ روز چیزهای کوچک را خوار شمرده باشد؟ زیرا آنان شادی خواهند کرد و شاقول را در دست زربّایل همراه آن هفت خواهند دید؛ اینها چشمان خداوند هستند کہ در تمامی زمین به هر سو در رفت و آمدند.» زکریا ۸:۴-۱۰

ردّ تشخیص میلر القائل إن روما هي التي تُثبِت الرؤيا، هو ردّ للأسس، وهو «ازدراء ليوم الأمور الصغيرة». لقد كانت الحركة الميلرية هي حركة الألفا للملائكين الأول والثاني، وأما حركة المئة والأربعة والأربعين ألفاً فهي حركة الأوميجا للملاك الثالث. وهي أقوى من الألفا باثنتين وعشرين مرة. وبهذا المعنى النبوي، فإن أسس الحركة الميلرية هي «يوم الأمور الصغيرة». إن ازدراء أي حقّ تأسيسي ممثّل على لوحٍ حقوق، هو موت؛ لأن الرؤيا التي تُثبِت في الآية الرابعة عشرة من دانيال الحادي عشر هي الرؤيا نفسها التي عيّنها سليمان.

جہاں رویا نہیں ہوتی، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت پر عمل کرتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 29:18۔

ترجمہ ps نیازمند دانستن این است کہ «ps» به کدام زبان اشاره دارد. لطفاً زبان مقصد را مشخص کنید.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در روزگار عیسی، ازدواج یهودی در سه مرحلہ اصلی انجام می شد کہ اغلب در طول چند ماه یا یک سال امتداد می یافت. نخستین مرحلہ، ازدواج قانونی بود کہ نامزدی خوانده می شد؛ در این مرحلہ، ازدواج از نظر قانونی برقرار می گردید، اما عروس و داماد از یکدیگر جدا می ماندند، و داماد به خانہ پدر خود باز می گشت تا مکانی برای عروس خویش آماده سازد. از همین رو بود کہ مریم، همسر یوسف، حتی پیش از آنکہ با او زندگی کند، همسر او خوانده می شد. بی وفایی در این دورہ، زنا محسوب می گردید.

د انتظار مودہ نامعلومہ وہ او کھدای شوہ چپ خو ورخّ، خو اوونی یا خو میاشتہ وی. دا نامعلومتیا د تمثیل یو اساسی عنصر دی. پلار به بنیادی تر یو کال پورې انتظار کاوہ، خو د ناوې عفت تثبیت کړي. زوم د خپل بېرته راتګ دقیقه ورخّ او ساعت نه اعلانوہ، څو کہ دا د هغه د پلار پرېکړه وه چې وټاکي څه وخت، نو ناوې پوهېده چې واده را روان دی—خو نه پوهېده چې کله. دا نامعلومتیا قصدي وه، او تر هغه چې پلار زوم ته امر نه وای کړی چې ولار شي او خپله ناوې راولي، په دې بهیر کې شامل هر څه ځنډېدلي وو.

جب باپ کہتا تھا، ”جا کر اپنی دلہن کو لے آؤ،“ تو دولہا رات کے وقت اپنے دوستوں کے ساتھ آتا، نعرے بلند کرتا اور نرسنگا بجاتا تھا۔ یہ ہمیشہ رات ہی کو ہوتا تھا تاکہ دن کی گرمی میں طویل فاصلے طے

کرنے سے بچا جا سکے، جو اسرائیل کی سرزمین میں سخت مشقت کا باعث بن سکتی ہے۔ مشعلوں اور تیل کی ضرورت ہوتی تھی، کیونکہ وہاں گلیوں میں روشنیاں نہ تھیں، اور یہ جلوس کئی گھنٹوں تک جاری رہ سکتا تھا۔ قدیم عبرانی شادیوں میں ان جلوسوں کے دوران جو اصل رسمی اعلان کیا جاتا تھا، وہ یہ تھا: ”دیکھو، دولہا آتا ہے!“

تمثیلی حکایت میں کنواریاں (سہیلیاں) کوئی عام عورتیں نہ تھیں، بلکہ وہ دلہن کی خدمت گزار ساتھنیں تھیں، جو اس کے ساتھ انتظار کر رہی تھیں، جلوس میں شامل ہونے کی متوقع تھیں، اور اس بات کی ذمہ دار تھیں کہ ہر گھڑی تیار رہیں اور اپنے ساتھ اپنا تیل رکھیں تاکہ دولہا کے گھر تک راستہ روشن کر سکیں۔ مشعلیں جلدی جل جاتی تھیں، اس لیے اگر سفر طویل ہو تو اضافی تیل ساتھ لانا ایک ناگزیر ضرورت تھی۔ تیل کی کوئی اجتماعی شراکت نہ تھی۔

تأخیر در آیین کهن کاروان عروسی و ازدواج امری عادی بود و از نظر فرهنگی مشکلی به شمار نمی رفت. انتظار تأخیر می رفت، و به خواب رفتن نیز امری طبیعی بود. تمایز نہ در خوابیدن، بلکہ در آمادگی است، نہ در بیداربودن. باکرہ های نادان، چنان کہ دانایان کردہ بودند، برای تأخیر برنامه ریزی نکردند. همه در آن دورہ می خوابیدند، زیرا فاصلہ میان نامزدی قانونی و بہ کمال رسیدن ازدواج ممکن بود یک سال بہ طول انجامد.

چون کاروان عروسی بہ خانہ داماد می رسید، بزم ازدواج آغاز می شد و در برای ہمیشہ بستہ می گردید و دیرآمدگان را راہ نمی دادند. این نہ از سر بی رحمی، بلکہ مطابق رسم بود؛ زیرا ہر کس پس از بستہ شدن در، بعدتر در می زد، نشان می داد کہ جزو آن کاروان نبودہ است.

عیسیٰ کوئی نئی تمثیلی تصویر تراش نہیں رہے تھے، اور نہ ہی انہوں نے اس تمثیل کی کوئی توضیح پیش کی، جیسا کہ وہ اکثر کیا کرتے تھے۔ انہیں توضیح فراہم کرنے کی ضرورت نہ تھی، کیونکہ یہ تمام ثقافتی تفصیلات اُن کے سامعین کے لیے پوری طرح معروف اور مفہوم تھیں۔ عیسیٰ ایک حقیقی مشرقی شادی کی نشان دہی کر رہے تھے، نہ کہ کسی مجرد تصور کی۔

جزئیات بہ طور کامل بر اساس شہادتِ عبری، و نیز بر پایہ مورخان ادوار رومی و یونانی، تأیید می شوند.

میشنا (سدہٗ دوم میلادی، اما حافظِ رسوم دورانِ معبد پیش از سال ۷۰ میلادی)

تَلْمُود (گردآوری متأخر، اما نقل کنندہٗ سَنَّتِ پیشین)

یوسفوس (مورخِ یہودی قرنِ اوّل)

عبادات و مباحث حقوقی عروسی ربانی

ناظران یونانی-رومی یہودیہ

یوسفوس کوئی مرتب ”شادی نامہ“ پیش نہیں کرتا، لیکن جن قانونی اور ثقافتی تفصیلات کو وہ مفروض مانتا ہے، وہ عین مطابق مشنا/تلمود کی توضیحات کے ساتھ مطابقت رکھتی ہیں۔ مشنا بنیادی ماخذ ہے۔

این مَثَل برای شنوندهٗ یہودی قرنِ اوّل چنان کوبندہ فرود می آمد، زیرا در متی ۲۵ ہیچ چیز نیازی بہ توضیح نداشت. رسیدن در نیمہ شب امری عادی بود، چراغ ها و روغن ضرورت های آشکار بودند، و تأخیری میان نامزدی قانونی ازدواج و حرکتِ نیمہ شب امری مورد انتظار بہ شمار می رفت، و در بستہ نیز رویہ ای کاملاً معمول بود! پاکرگانی کہ محروم شدند، سرافکندہ بودند، و از نظر مخاطبان یہودی دورانِ عیسیٰ، شرمساری باکرہٗ نادان کاملاً بجا و سزاوار بود. چون شنوندگانِ عیسیٰ آیین را بہ خوبی

می شناختند، هیچ همدردی‌ای با باکرگان ندادان نمی‌داشتند، زیرا همه می‌دانستند که آمادگی، مسئولیتی مطلق برای هر باکره‌ای بود که برای حضور در آن موکب دعوت می‌شد. این حقایق برای مخاطبان یهودی آن‌چنان بدیهی بود که عیسی هرگز نیازی نداشت هیچ توضیحی دربارهٔ این مثل ارائه کند.